

دانید که دولت برای مدتها این آمارها را اعلام نکرد و در مواردی که عدد را مثبت اعلام می کرد مسئولان دولت بعدی آن را منفی اعلام کردند. بنابراین استناد به بعضی از آمارهایی مثل ضریب جینی که خیلی کلان محاسبه می شود، مقداری قابل اعتماد نیست، در عین حال معتقدم که تغییر محسوسی در کلان ضریب جینی یعنی همه مردم بایکدیگر رخ نداده است. البته اگر ضریب جینی برای دهکهای جامعه حساب شود برای دوسه دهک اول باید بهبود پیدا کرده باشد که آن هم بعد از ۱۲ تا ۱۸ ماه قدرت خود را از دست داده است ولی در مجموع بهبود پیدا کرده است. برای دهکهای ۴، ۵، ۶ و ۷ که اقشار متوسط جامعه هستند وضع بدتر شده است و اگر در مجموع همه جامعه را در نظر بگیریم ضریب جینی نباید کاهش پیدا کرده باشد.

حالا با توجه به این دیدگاه، بعد از این چه باید کرد؟

من می خواستم بگویم که قانونگذار که این تصمیم را گرفته است، به چه چیز گذشته دلخوش بوده است. یک اقدامی که به سهم خودش تورم بسیار بالایی را به کشور تحمیل کرده است به طوری که نرخ رشد اقتصادی را پایین آورده و منفی کرده است، در یک زمانی که تحریم وجود داشته است که همچنان تحریم ها وجود دارد، این اقدام چه گلی به سر کشور زده است که قانونگذار دوباره تصمیم گرفته است، آن را تشدید کند. گام دوم یعنی تشدید افزایش حاملهای انرژی. ببینید اتفاقی که دارد می افتد این است، البته خواهش می کنم آن را به معنای مخالفت یا موافقت من نگیرید چون موضع من مشخص است، ببینید اتفاقی که به واسطه این قانون و تصمیم گیری جدید در محیطی که رکود تورمی است، سال ۸۸ و ۸۹ شرایط اقتصادی کشور به این صورتی که الان هست نبود و این قدر متصل نبود، الان شرایط بدتر شده است. اتفاقی که دارد می افتد این است که ما قیمت حاملهای انرژی را افزایش می دهیم و به واسطه آن هزینه های تولید افزایش می یابد، این هزینه های تولید قیمت تمام شده کالا را بالا می برد. افزایش قیمت تمام شده کالا به توجه به گرفتاری های شدید نظام بانکی در دادن تسهیلات و کمبود نقدینگی که همه از آن می نالند، کاهش دهنده میل به سرمایه گذاری است. یعنی طرفی که می خواهد سرمایه گذاری کند فضای روشنی جلوی چشم خودش نمی بیند، یعنی می بیند که هزینه ها بالاست و بانکها نمی توانند کمک کنند و قیمت برایش بالاتر می رود و اگر بخواهد قیمت بالا بدهد با تعزیرات مواجه می شود و مسائلی از این قبیل، بنابراین تولید لطمه می بیند و رکود در مان نمی شود در نتیجه به دلیل وجود تقاضا قیمت ها افزایش می یابد و کاهش تولید یعنی کاهش ارزش پول ملی. الان دیگر نمی گویند که پشتوانه پول طلاست. این برای قدیم ها بود. الان در اقتصاد می گویند که پشتوانه پول هر کشور تولید آن کشور است وقتی که تولید پایین بیاید، یعنی ارزش پول پایین می آید. جی دی پی (تولید ناخالص داخلی) پایین می آید یعنی عرضه کم می شود ولی تقاضا وجود دارد... وقتی ارزش پول شما پایین می آید، ارزش پول خارجی ها به طور طبیعی بالا می رود. یعنی واقعا بالا نمی رود بلکه فاصله پول ما با ارزش پول آنها زیادتر می شود. در نتیجه ارزش دلار و غیره بالا می رود. وقتی که ارزش دلار بالا رفت در اقتصادی که مسئولانش قیمت حاملهای انرژی را در داخل کشور با پول خارجی و به دلار حساب می کنند و می گویند باید به قیمت خلیج فارس باشد، می گویند که تا دیروز قیمت هر لیتر ۱/۵ دلار بود و هر دلار در داخل کشور ۱۲۲۶ تومان بود در نتیجه قیمت بنزین ۲۰۰۰ تومان درمی آید و چرا باید آن را ۱۰۰ تومان بفروشیم، امروز می گویند که دلار ۲۶۰۰ تومان است بنابراین قیمت هر لیتر بنزین ۱/۵ دلار می شود ۴۰۰۰ تومان، پس چرا ۷۰۰ تومان بفروشیم، قیمت آن باید بیشتر شود،

آوردن کیفیت خدمات دولتی مثل خدمات آموزشی و درمانی، موثر است. در مورد هر کدام از این موارد می توان صحبت کرد.

یعنی در کل با بحث هدفمندی یا رانه ها موافق نیستید؟ البته قبلا هم همین نظر را داشتید...

بله، منتها دویشت است، یکی نظری بود که سال ۸۶ داشتم و آن موقع هنوز اجرا نشده بود و می گفتم که اجرا نکنید. الان دیگر از آن منظر نگاه نمی کنم. الان این قانون اجرا شده است و حدود سه سال از آن می گذرد. الان با آثار اجرای قانون مواجه هستیم بنابراین روی آثار آن نظر می دهیم. البته از اول هم اعلام کرده بودم که کار درستی نیست و نباید این کار را کرد. من جزو کسانی نیستم که بگویم این (قانون) در اجرا با مشکل مواجه شده است. از اول تصمیم غلطی بود ولی نمی خواهم آن حرفها را بزنم. می گویم سه سال است که آن را اجرا کرده اید، قاعدتا وقتی که مرحله دیگری را شروع می کنید معنایش آن است که به نتایج مرحله قبلی توجه داشته اید. من معتقدم که نتیجه اجرای قانون آن نکاتی است که عرض کردم.

خوب، تأثیری که اجرای قانون در کاهش مصرف سوخت، جلوگیری از اسراف، صرفه جویی و سایر تأثیرهای مثبت قانون داشته است را قبول ندارید؟ خاطر تان هست که قبل از هدفمندی در مصرف بنزین چه شرایطی حاکم بود...

به همین نکته ای که می فرمایید نگاه می کنیم، سال ۸۹ که سال اجرای این قانون است را اگر در نظر بگیریم مصرف بنزین در کشور به خاطر اجرای قانون سهمیه بندی که از دوسال قبل در مجلس تصویب شده بود کاهش پیدا کرده بود. وقتی که این قانون شروع شد اندکی هم مصرف بنزین کاهش پیدا کرد منتها مطابق آمار شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی اگر افزایش مصرف گاز سی ان جی که جایگزینی برای بنزین است را در نظر بگیریم و مقداری را که در سال ۸۹ بنزین مصرف می شده است را به علاوه معادل بنزینی گاز سی ان جی اضافه کنیم و آن را با سال ۹۲ مقایسه کنید ملاحظه می کنید که مجموع بنزین و سی ان جی در سال ۹۲ نسبت به آن زمان افزایش پیدا کرده است. یعنی کاهش مصرف بنزین معادل روزانه ۵ میلیون لیتر به طور میانگین با افزایش بیشتری از مصرف گاز سی ان جی جبران شده است.

فکر نمی کنید به گونه ای مدیریت مصرف شده است، یعنی بنزین کالای گرانتری است و شاید برای کشور به صرفه تر بوده است که مصرف به سمت سی ان جی گرایش پیدا کند؟

- عیب ندارد، شما می گویند که در مصرف سوخت صرفه جویی شده است اما من می گویم که نشده است، نمی تواند کم هم شود چون زیرساختهای حمل و نقل طوری است که جواب مردم را نمی دهد و بنزین کالای بی کشش است مثل دارو یعنی اگر کسی مریض شود نگاه نمی کند که اگر قیمت دارو خیلی زیاد شود دواي مورد نیاز خود یا بچه اش را نگیرد، به هر قیمتی می گیرد. کسانی که در حمل و نقل از بنزین استفاده می کنند با توجه به مشکلات حمل و نقل عمومی حتی اگر به قیمت فشار در بقیه مسائل زندگی شان هم باشد، بنزین را تهیه می کنند تا به زندگی شان برسانند. یعنی اگر اعلام شود که کاهش پیدا کرده است باید تعجب کنید که پس حمل و نقل عمومی به چه صورت درآمده است. در مورد بقیه موارد نیز می توان مستدل صحبت کرد...

می توانید در مورد بقیه موارد هم موضوع

را باز تر کنید؟ گفته می شود که ضریب جینی در اثر اجرای قانون کاهش داشته است و به عدالت اجتماعی نزدیکتر شده ایم؟

باید مستدل صحبت کرد، در مورد بنزین بنده با استناد به آمار شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی مطالبی را گفتم. در مورد ضریب جینی باید به آمار مرکز آمار رجوع کرد. البته باید این نکته را عرض کنم که به طور کلی آمارهای کلان کشوری دو سه سال گذشته در معرض شبهه است. شما می

دکتر سبحانی: دولت به خودش اجازه نمی دهد متنی از برنامه خودش برای هدفمندی را به نخبگان دانشگاهی ارائه دهد

غیر از ۱۱ هزار میلیارد تومان در بودجه، بارانه دیگری وجود ندارد، ما داریم از توی جیب مردم به زور قانون در می آوریم و بعد تقسیم می کنیم

به فوب خلیج فارس برسد. ما هم ناگزیریم که بگویم هدف قانون، افزایش قیمت حاملهای انرژی تا سطح قیمت حاملها در خلیج فارس است. یعنی بر اساس مصوبات باید بگویم که هدف مجلس و دولت این بوده است.

از آن طرف اهدافی دیگر برای رسیدگی به خانوارها، تولید و سلامت تعیین شده است؟

این ها هدفهای تابعی آن کار است. یک هدف اصلی وجود دارد و یکسری هدفهای تابعی. یعنی می گوید که چون می خواهیم قیمت ها را افزایش دهیم و به یک سطحی برسانیم، سلامت ممکن است به مشکل بر خورد یا تولید ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد، بنابراین این قدر برای سلامت یا تولید بدیم، یعنی اگر هدف اصلی نباشد این ها موضوعیتی پیدا نمی کند. یعنی اهداف اصلی و فرعی وجود دارد. بنابراین آن چیزی که من استنباط می کنم آن است که مجلس و دولت همچنان بر هدف افزایش قیمت حاملهای انرژی تأکید می کنند. بنابراین اگر اجازه بفرمایید فرمایش شما را به این صورت پاسخ دهم که این تصمیم مجلس و دولت از نظر اقتصادی چه شرایطی برای کشور حاصل می کند.

اجازه دهید سوال را این گونه مطرح کنم که آیا جناحی معتقدید که از ابتدا ما هدف مشخصی برای اجرای قانون هدفمندی نداشته ایم و الان با این مصوبه جدید بر اساس آن پیش نرفته ایم؟

من می خواهم عرض کنم که هر اتفاقی از جمله قانون گذاری باید تابع اهدافی باشد. این هدف معمولا در ماده یک قانون می آید که مثلا به منظور رسیدن به فلان و فلان چیز ما این قانون را تصویب می کنیم. اگر قانون هدفمندی یا رانه ها را ملاک بگیریم و در آن جستجو کنیم و ببینیم که قانونگذار چه چیزی را دنبال می کرده است؛ در همان ماده اول آمده است که دولت مکلف است با رعایت این قانون قیمت حاملهای انرژی را اصلاح کند و... در اینجا هدفی را نمی بینید، لابد ناچارید که بگویید {هدف قانون آن است که} قیمت فروش داخلی بنزین و اینها را تا پایان برنامه پنجم به این صورت اصلاح کند. ما که نمی توانیم از ذهنیتها و منویات صحبت کنیم ما باید از مصوبات صحبت کنیم. الان هم مجلس و دولت می گویند می خواهیم فاز دوم این قانون را اجرا کنیم. این قانون هم گفته است که قیمت ها را می خواهیم به نحوی افزایش دهیم که از ۹۰ درصد قیمت روی کشتی در خلیج فارس که به قیمت فوب مشهور است، کمتر نباشد. حال باید دید که این اقدام برای گام دوم در اقتصاد و جامعه ایران چه تأثیری دارد. من این را از آن جهت مطرح کردم که صورت مساله روشن باشد و بدانیم که راجع به چه چیزی صحبت می کنیم. برای روشن شدن این مساله باید ببینیم که ارزیابی مجلس و دولت از اجرای این قانون در دوره ای که مشهور به مرحله اول است چیست. تا جایی که ما می دانیم این قانون در بهر کود کشاندن اقتصاد ایران، در افزایش سطح عمومی قیمت ها یعنی تورم و در افزایش قیمت برابری دلار و ریال و در پایین آوردن سطح زندگی اقشار متوسط جامعه و پایین

